

[مفهوم شرط 1](#_Toc88509174)

[تنبیه اول: سنخ الحکم و شخص الحکم 1](#_Toc88509175)

[اشکال بر تعریف مفهوم به انتفای سنخ الحکم 2](#_Toc88509176)

[جواب مرحوم آخوند از اشکال 2](#_Toc88509177)

[جواب شیخ انصاری از اشکال 2](#_Toc88509178)

[توضیح عبارت مرحوم آخوند و بیان ایراد مرحوم شیخ 3](#_Toc88509179)

[قبول کردن یک مطلب ار مطالب شیخ از جانب مرحوم آخوند 3](#_Toc88509180)

[جمع بندی از ایراد شیخ به راه حل اشکال و نقد مرحوم آخوند 4](#_Toc88509181)

[اشکال مرحوم بروجردی به تعریف آخوند از مفهوم(انتفای سنخ الحکم) 4](#_Toc88509182)

[جواب از اشکال مرحوم بروجردی 5](#_Toc88509183)

[جواب مرحوم بروجردی از یک اشکال 5](#_Toc88509184)

**موضوع**: تنبیهات /مفهوم شرط /مفاهیم

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد اصل مفهوم شرط تمام شد. در ادمه مرحوم آخوند وارد تنبیهات شد. اولین تنبیه در مورد سنخ الحکم و شخص الحکم است.

# مفهوم شرط

## تنبیه اول: سنخ الحکم و شخص الحکم

بحث در مورد تنبیه اول بود. مرحوم آخوند فرمود: انتفاء سنخ حکم عند انتفاء خصوصیت، مفهوم نام دارد. اما انتفای شخص حکم، عند انتفای خصوصیت، قهری و عقلی است و اصطلاحا مفهوم نام ندارد. بنا بر این، در اوقاف و نذورات و وصایا و امثال آنها که حکم بر عنوان خاصی مترتب شده، انتفای حکم عند انتفای خصوصیات، مفهوم نیست. مثلا انتفای وصیت از غیر موصی له قطعی است.

ایشان مدعی است: انتفای شخص حکم که مفهوم نیست و انتفای سنخ حکم به خاطر این که امکان بقاء ندارد هم مفهوم نیست؛ لذا در این موارد انتفای شخص حکم که موجود است، مفهوم نیست و انتفای سنخ حکم نیز که قابلیت بقا ندارد، مفهوم نیست.

### اشکال بر تعریف مفهوم به انتفای سنخ الحکم

اگر مفهوم انتفای سنخ حکم است، پس باید منطوق هم مشتمل بر سنخ حکم باشد در حالی که نسبت به جزاءهایی که مشتمل بر جمله انشائیه هستند، شخص الحکم است. موضوع له انشائیات خاص است. پس اصل اشکال این است که لازمه کلام مرحوم آخوند این است که در جمله های انشائیه اصلا مفهوم صغری ندارد و باید مرحوم آخوند تفصیل بدهد بین این که جزاء جمله خبریه باشد یا جمله انشائیه.

### جواب مرحوم آخوند از اشکال

مرحوم آخوند فرموده است: جمله انشائیه مانند جمله خبریه است. همان طور که در جمله خبریه وضع و موضوع له عام است، همچنین در جملات انشائیه وضع و موضوع له عام است. مثلا بین ان جائک زید یجب اکرامه که معلَّق کلی و سنخ حکم است و بین ان جائک زید فاکرمه تفاوتی وجود ندارد؛ چرا که در فاکرمه نیز کلی وجوب تعلیق شده است.

### جواب شیخ انصاری از اشکال

شیخ در جواب فرموده است: کما این که اگر جزا جمله خبریه باشد، سنخ الحکم است و مشکلی وجود ندارد همچنین اگر جزاء جمله انشائیه باشد باز هم سنخ الحکم مطرح است. هر چند که مُنشا در جمله انشائیه شخص حکم است؛ ولی باز هم مفهوم ثابت است.

شیخ در حقیقت نسبت به انشائیات فرموده است: لازم نیست معلق سنخ حکم باشد. هر چند ان جائک زید فاکرمه شخص حکم را معلق بر مجیئ کرده است؛ ولی دلالت بر انتفای سنخ حکم دارد. بیان مطلب این است: همین که برای شخص علت می­آورد کفش می­شود که معلَّق سنخ حکم است؛ چرا که برای مفهوم داشتن نیازی نیست که در منطوق سنخ الحکم تعلیق شده باشد.

دقت کنید: ایشان این مطلب را قبول دارد که مفهوم انتفای سنخ حکم است؛ اما این که بعضی می­گویند رکن مفهوم این است که سنخ حکم تعلیق شده باشد، را قبول ندارد؛ زیرا از این که متکلم برای شخص حکم تعلیق می­آورد معلوم می­شود که می­خواهد بفهماند سنخ حکم در صورت نبود این شرط منتفی است؛ چرا که اگر نمی­خواست سنخ حکم را بفهماند نیاز به شرط نداشت.

وجوب اکرام شخصی عند انتفای زید، منتفی است و شرط نیاز ندارد. انتفای شخص حکم که قهری است و نیاز به اگر و غیره ندارد. پس انتفای شخص حکم کاشف از انتفای سنخ حکم است. اگر این را نمی­خواست بگوید که جمله شرطیه را استخدام نمی­کرد. اگر به نحو لقب هم می­گفت، منتفی می­شد.

مرحوم شیخ فرموده است قوام مفهوم به یک چیز است و آن هم تعلیق است حالا تعلیق شخص یا کلی حکم. هر دو دلالت بر انتفای سنخ حکم عند انتفای شرط دارد.

### توضیح عبارت مرحوم آخوند و بیان ایراد مرحوم شیخ

در ادامه مرحوم آخوند اشاره به ایراد شیخ بر یک راه حلی کرده است. این عبارت مرحوم آخوند مقداری پیچ دارد.

مرحوم آخوند می­فرماید: «و أورد على ما تفصي به عن الإشكال بما ربما يرجع إلى ما ذكرناه بما حاصله أن التفصي لا يبتني على كلية الوجوب لما أفاده و كون الموضوع له في الإنشاء عاما لم يقم عليه دليل لو لم نقل بقيام الدليل على خلافه حيث إن الخصوصيات بأنفسها مستفادة من الألفاظ»

شیخ فرموده است: اگر کسی راه حل از اشکال مذکور را این گونه مطرح کند که اولا معلَّق باید سنخ حکم باشد و این جا شخص حکم است و ثانیا ممکن است ما بگوییم­ موضوع له در انشائیات عام است، صحیح نیست.

همین دو مطلبی که مرحوم آخوند در تفصی خودش از اشکال مطرح کرد، مرحوم شیخ ایراد گرفته و گفته است: اولا سنخ لازم نیست و ثانیا معنای هیئات جزئی است.

بعد مرحوم آخوند فرموده ایراد شیخ انصاری بر این تفصی که ما هم همین را به عنوان راه حل گفتیم، وارد نیست.

#### قبول کردن یک مطلب ار مطالب شیخ از جانب مرحوم آخوند

معلوم می­شود که مرحوم آخوند از این حرفهایی که در رد شیخ آورده است، این مطلب شیخ که می­گفت مفهوم توقف بر این ندارد که مدلول سنخ الحکم باشد را قبول کرده است. بله؛ مطلبی که شیخ فرمود موضوع له هیئات جزئی است را قبول نکرده است. این که مفهوم داشتن مبتنی بر کلیت داشتن جزاء نیست را پذیرفته است.

#### جمع بندی از ایراد شیخ به راه حل اشکال و نقد مرحوم آخوند

شیخ انصاری مفهوم را به انتفای سنخ حکم می­داند و اختلافی در این مطلب نیست، بحث این است که آیا ما باید سنخ الحکم را در منطوق معلق کنیم تا به مفهوم برسیم یا اگر شخص الحکم را در منطوق تعلیق کنیم، کافی است؟ مرحوم شیخ می­گوید اگر شخص الحکم را معلق کنیم به مفهوم می­رسیم چرا که همین که شرط آورده است قرینه می­شود بر این که در واقع نوع و سنخ الحکم را معلق کرده است. در حقیقت از لحاظ خطاب شخص الحکم را تعلیق کرده است؛ ولی در لبّ نوع را تعلیق کرده است. نظیر این مطلب در استعمال لفظ و اراده نوعش گذشت.

ظاهرا مرحوم آخوند هم این فرمایش را قبول کرده است؛ چرا که آن را رد نکرده است. فقط ایراد دوم را رد کرد. ایراد دوم: دلیلی بر کلی بودن موضوع له نداریم.

### اشکال مرحوم بروجردی به تعریف آخوند از مفهوم(انتفای سنخ الحکم)

مرحوم آخوند فرمود: انتفای سنخ الحکم عند انتفای خصوصیتی از خصوصیات را مفهوم می­گویند. مرحوم بروجردی مناقشه به این مطلب دارد.

بیان مطلب: با این که این تعریف از مفهوم در السنه معروف است؛ ولی اساسی ندارد. در جمله خبریه مفهوم مجال دارد؛ چرا که در این جمله با قطع نظر از اخبار یک واقعیتی وجود دارد؛ یعنی آن واقعیت را نمی­دانیم که آیا حکم برای موضوع به صورت مطلق یا در خصوص شرط مترتب شده است. مثلا ان جائک زید یجب کرامه. یک واقعیتی دارد که ثبوت وجوب اکرام برای زید است. این واقع برای زید مطلقا محقق شده یا در صورت شرط محقق شده است. در این جا مجال دارد که مفهوم داشته باشیم؛ یعنی بگوییم چیزی که محقق شده است عند میجیئ زید است و در صورت انتفا شرط، وقوع اکرام جعل نشده است.

توجه کنید: در جمله خبریه محکی با قطع نظر از کلام متکلم محقق است. آن واقع مردد است بین این که برای موضوع به صورت مطلق محقق شده است یا در صورت شرط. در این صورت مجال دارد که بگوییم اگر شرط منتفی شد، وقوع اکرام هم محقق نشده است.

اما در جمله انشائیه با قطع نظر از تکلم، چیزی وجود ندارد. با اکرمه وجوب را جعل کرده است. بنا بر این، همین که جعل شده است، معلق بر ان جائک زید شده است. در این صورت، انتفای عند الانتفا معنا ندارد. از طرفی انتفای سنخ حکم؛ یعنی فرد دیگری نه شخص این فرد. حالا آن فرد دیگر از دو حالت خارج نیست یا با عدم حفظ موضوع یا محمول است که ربطی به مفهوم ندارد و یا با حفظ موضوع و محمول است که شخص دیگری است و سنخ حکم نیست.

از شما سوال می­کنیم که سنخ و طبیعی حکم کجا است؟ با حفظ موضوع و یا محمول است که شخص حکم منتفی است. اگر هنوز موضوع و محمول موجود است؛ پس شخص حکم منتفی است و کلی نیست. مثلا موضوع زید و محمول وجوب است. حالا یا یکی از موضوع و محمول منتفی است که ربطی به مفهوم ندراد و اگر موجود هستند، انتفاء آن شخص حکم است و مفهوم نیست.

#### جواب از اشکال مرحوم بروجردی

ما یک فرض دیگری داریم که در آن فرض انتفای سنخ الحکم در جمله انشائیه مطرح است. این را بعضی دیگر هم فرمودند.[[1]](#footnote-1) به نظر ما یا موضوع منتفی است مثلا به جای زید، عمر آمده و یا محمول منتفی است مثلا به جای وجوب، مستحب آمده که در این دو صورت ربطی به مفهوم ندارد.

اگر موضوع و محمول و شرط محقق باشند مثلا زید و وجوب و مجیئ محقق هستند، در این صورت هم شخص حکم غیر از وجوبی است که اول جعل شده و شخص وجوب دیگری است. یک فرض دیگری هم داریم که موضوع و محمول تغییر نکرده ولی شرط تغییر کرده است. در فرض نیامدن که انتفای شرط است، سنخ حکم منتفی شده است. شما فرض کنید که دوباره زید آمده است در این صورت انتفای شخص حکم است؛ ولی اگر فرض شد که نیامده است، انتفای سنخ حکم در حق زیدی که نیامده است جا دارد.

لذا این که مرحوم بروجردی در انشائیات می­گوید: انتفا سنخ حکم مجال ندارد؛ چرا که اگر موضوع و محمول تغییر کرده باشند، انتفایی نیست و یا اگر انتفا باشد انتفای شخص الحکم است، صحیح نیست. در انتفای سنخ الحکم، شرط تغییر کرده و موضوع و محمول تغییر نکرده­اند؛ پس انتفای وجوب اکرام برای زید در فرض عدم مجیئ، می­تواند کلی باشد.

این که ایشان در نهایت نتیجه گرفته اگر جزاء جمله خبریه باشد مفهوم دارد و اگر جمله انشائیه باشد مفهوم ندارد و تفصیل داده است، صحصح نیست.

### جواب مرحوم بروجردی از یک اشکال

ممکن است کسی به مرحوم بروجردی اشکال کند به این که اگر جمله انشائیه مفهوم ندارد پس این همه روایات که جمله شرطیه هستند و جزاء آنها هم انشائیه است، نباید مفهوم داشته باشد.

در جواب گفته می­شود که ایشان ملتفت بوده و فرموده تمام آنها جمله خبریه هستند. مثلا روایت می­گوید: الماء اذا بلغ قدر کرّ لم ینجسه شیئ. در این جا الماء موضوع و اذا شرط و لم ینجسه خبر از مجعول خداوند می­دهد.

ادامه بحث در جلسه آینده

1. مقرر: مرحوم منتظری [↑](#footnote-ref-1)